

درس فارغ فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۱ اردیبهشت ۱۳۹۹

مصادف با: ۲۶ شعبان ۱۴۴۱

جلسه: ۳۸

موضوع کلی: فصل فی أحكام الجبائر

موضوع جزئی: حکم جبائر متعدده در عضو واحد

سال تحصیلی: ۹۸-۹۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مسئله ۵۹۹: «إذا كان في عضو واحد جبائر متعدّدة يجب الغسل أو المسح في فواصلها»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر جبائر متعدده در عضو واحد باشد، واجب است که بین آن جبائر [که جبیره ندارد، اگر محل غسل باشد،] شسته شود یا [اگر محل مسح باشد] مسح شود.

دلیل حکم مذکور این است که زمانی از غسل یا مسح بر بشره عدول می شود که مانع وجود داشته باشد که اگر مانع وجود داشته باشد بر جبیره مسح می شود، ولی در مواردی که مقتضی موجود و مانع مفقود است، وجهی ندارد که بر طبق مأثور^۲ [که غسل یا مسح بر بشره است] عمل نشود و دلیلی مبنی بر کفایت مسح بر جبائر و عدم غسل یا مسح بر بشره در رابطه با موضعی که جبیره ندارد، وجود ندارد.

همچنین، اطلاقات دال بر غسل مواضع غسل و مسح مواضع مسح [، مثل آیه شریفه: «...فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...»]^۳ شامل مورد مذکور در مسئله که بین جبائر، خالی از جبیره است، می شود لذا بر روی جبائر مسح می شود و در رابطه با ما بین جبائر که جبیره ندارد بر طبق وظیفه عمل می شود، یعنی اگر از مواضع غسل باشد، شسته می شود و اگر از مواضع مسح باشد، مسح می شود.

روایاتی نیز وجود دارند که حکم مذکور را تأیید می کنند که روایت ذیل از آن جمله است:

عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ؛ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا (ع) عَنِ الْكَسِيرِ تَكُونُ عَلَيْهِ الْجَبَائِرُ أَوْ تَكُونُ بِهِ الْجِرَاحَةُ كَيْفَ يَصْنَعُ بِالْوُضُوءِ؟ وَ عِنْدَ غَسْلِ الْجَنَابَةِ وَ غَسْلِ الْجُمُعَةِ؟ فَقَالَ: «يَغْسِلُ مَا وَصَلَ إِلَيْهِ الْغَسْلُ مِمَّا ظَهَرَ مِمَّا لَيْسَ عَلَيْهِ الْجَبَائِرُ وَ يَدْعُ مَا سِوَى ذَلِكَ مِمَّا لَا يَسْتَطِيعُ غَسْلَهُ وَ لَا يَنْزِعُ الْجَبَائِرَ وَ لَا يَغْبِثُ بِجِرَاحَتِهِ»^۴.

کلام امام رضا (ع)، مبنی بر اینکه آن موضعی که جبیره ندارد را می شوید و موضعی را که جبیره دارد و امکان غسل آن نیست را رها می کند [، یعنی به وظیفه اش که مسح بر جبیره است، عمل می کند] نیز بر این دلالت دارد که انسان باید موضعی را که جبیره دارد مسح کند و فواصلی که بین جبائر است و جبیره ندارد را [اگر از مواضع غسل باشد،] بشوید و [اگر از مواضع مسح باشد،] مسح کند.

۱. سید محمدکاظم، یزدی طباطبائی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۵۹.

۲. «المائدة»؛ ۶.

۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۳۹، ص ۴۶۳، ح ۱.

مسأله ۶۰۰: «إذا كان بعض الأطراف الصحيح تحت الجبيرة، فإن كان بالقدر المتعارف مسح عليها و إن كان أزيد من المقدار المتعارف، فإن أمكن رفعها رفعها و غسل المقدار الصحيح ثم وضعها و مسح عليها و إن لم يمكن ذلك مسح عليها، لكن الأحوط ضمّ التيمم أيضاً، خصوصاً إذا كان عدم إمكان الغسل من جهة تضرّر القدر الصحيح أيضاً بالماء»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر بعضی از اطراف عضو که صحیح و سالم است زیر جبیره قرار بگیرد و به مقدار متعارف باشد، بر جبیره مسح می شود [و مشکلی ندارد]، اما اگر آن مقدار صحیح و سالم که زیر جبیره قرار گرفته است از مقدار متعارف بیشتر باشد و برداشتن جبیره نیز ممکن باشد، جبیره برداشته می شود و مقدار سالم عضو شسته می شود و سپس جبیره روی جراحت گذاشته می شود و بر روی آن مسح می شود، ولی اگر برداشتن جبیره ممکن نباشد، بر روی جبیره مسح می شود، لکن احتیاط [مستحب] این است که تیمم نیز به آن وضوی جبیره ای ضمیمه شود، خصوصاً اگر عدم امکان غسل عضو صحیح به خاطر این باشد که شستن برای عضو سالم ضرر داشته باشد.

بحث جلسه آینده: مسأله مذکور، چند فرض دارد که ان شاء الله، در جلسه آینده ذکر و بررسی خواهند شد.

«الحمد لله رب العالمين»

۱. سید محمدکاظم، یزدی طباطبائی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۵۹.